

مجلات منطقه ما: عصری، ۱۷ شهریور، کوی کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلین، پروین اعتصامی، المهدی، سیدی، ولی عصر (عج)، عسکریه، انقلاب بهارستان، ابوذر، ایمان، رباط، ایوان، طرق

شهرار محله

شماره روزنامه شهر آرا: ۲۹۶۲
هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۵۴ / سه شنبه / ۱۴ آبان ۹۸
۸ صفحه

در یافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از: SHAHRARANEWS.IR

بانوی آشنیز تابیادی ایستگاه استقبال از زائر که روزانه برای ۳۰۰۰ نفر غذای پخت

ارائه کارنامه دفتر تسهیگری طرق به معاون وزیر راه و شهر سازی

ارائه گزارشی از ایستگاه عاشقان امام رضا (ع)

سال دیگر زودتر می آییم!

برای اولین بار آمده بود. جایی که نه چشمی اورا می دید و نه نگاهی دنبالش می کرد. شاید اگر من هم اهل سرک کشیدن به فضای پیرامونی و پشت صحنه ایستگاه استقبال از زائر نبودم اورا نمی دیدم. رفت و آمد به انتهای ایستگاه که کار تدارکات با قدرت در آنجایی گرفته می شد با کارت انجام می شد. ...

اقدامات انجام شده دفتر تسهیگری طرق

سید محمد پژمان، معاون وزیر راه و شهر سازی و مدیرعامل شرکت باز آفرینی شهری، به همراه رمضانعلی فیضی، رئیس کمیسیون مناطق پیرامونی و کم‌پر خوردار شورای شهر مشهد، شهردار منطقه و جمعی دیگر...

صدر صدبر نامه هایمان اجرا شد

کوروش باوندی، شهردار منطقه، در گفت و گو با شهر آرا محله در باره ارائه گزارشی از خدماتی که امسال در ایستگاه به زائران پیاده شهرداری منطقه ارائه شد، بیان کرد: منطقه ۷ با توجه به اینکه یکی از مهم ترین مبادی ورودی شهر مشهد است و بخش عمده ای از زائران امام رضا (ع) از این منطقه وارد شهر مشهد می شوند...

دهه آخر صفر تمام شد اما خاطراتش
همچنان در دل و جان زائران باقی است

«ارادت» تا نهایت!





آموزش ۶۰۰ نفر در منطقه

حرف اول



علیرضا امامیان

کارشناس پدافند غیرعامل

سازمان پدافند غیرعامل کشور سازمانی نوپاست که از سال ۱۳۸۲ کار خود را آغاز کرده است. ضرورت این سازمان تا آنجاست که در تقویم کشور روز ۸ آبان را به عنوان روز پدافند غیرعامل نامیده اند. سازمان های مختلف از تاریخ ۸ تا ۱۵ آبان به اجرای برنامه ها و همایش های مختلف برای آموزش هموطنان در مسائل مربوط به این امر اقدام می ورزند. اما وظایف سازمان پدافند غیرعامل که حالا ۱۶ سال از تأسیس آن می گذرد در ۲ بخش سازمانی و عملیاتی تقسیم بندی شده است. وظایف عملیاتی این سازمان شامل ۱- سازمان دهی، طرح ریزی، هدایت و راهبری عملیات پدافندی مقابله با تهدیدات دشمن. ۲- هدایت و راهبری مقابله با تهدیدات نوین با تشکیل و سازمان دهی قرارگاه های پدافند غیرعامل در موضوع های مرتبط با تهدید. ۳- هدایت راهبری، مدیریت و کنترل سامانه های مرتبط با پدافند غیرعامل کشور در برابر تهدیدات نوین. ۴- ارتقای آمادگی دستگاه های اجرایی برای تداوم چرخه تولید و خدمات در مقابله با انواع تهدیدات. ۵- به کارگیری ظرفیت ها و منابع کشور در حوزه های مختلف برای انجام تمهیدات لازم پدافند غیرعامل و آخرین آن فرهنگ سازی و آماده سازی دستگاه های اجرایی و استان های کشور برای کمک و اداره و هدایت مردم در شرایط بحرانی است.

توجه ما به پدافند غیرعامل یا دفاع غیرنظامی تقلیل خسارت های مالی و صدمه های جانی را بر شهروندان در جنگ، حوادث طبیعی نظیر سیل، زلزله، توفان، آتشفشان، آتش سوزی و خشک سالی را به دنبال دارد. برای دست یافتن به نتیجه باید طرح های پدافند غیرعامل قبل از وقوع بحران تهیه و اجرا شوند و با توجه به فرصتی که اکنون در راستای تهیه چنین طرح هایی فراهم است، ضرورت تمهیدات لازم در متن طراحی ها و برنامه های کشور و شهر مشهد به شدت احساس می شود.

از سوی دیگر پدافند غیرعامل را می توان این گونه معرفی کرد؛ مجموعه طرح ها، تمهیدات و فعالیت هایی که با استفاده از شرایط و ابزار موجود در صورت امکان بدون نیاز به نیروی انسانی انجام می شود. چنین اقداماتی از یک سو توان دفاعی مجموعه را در زمان بحران افزایش می دهد و از سوی دیگر پیامدهای بحران را کاهش می دهد و امکان بازسازی مناطق آسیب دیده را با کمترین هزینه فراهم می سازد.

مدیریت شهری و شهرداری مشهد در این مهم گام های متعددی برداشته که از جمله آن می توان به آموزش شهروندان، برگزاری دوره های تخصصی کارکنان و شهروندان، نصب دستگاه های شتاب نگار، طرح ریزی برای اجرای نقشه خطر پذیری... اشاره کرد. شهرداری منطقه ۷ نیز با مشارکت گروه پدافند غیرعامل و پیشگیری از بحران شهرداری مشهد در این راه اقدامات متعددی مانند نصب و بهره برداری از دستگاه شتاب نگار سالن برادران

شهید نامی، آموزش حدود ۶۰۰ نفر از شهروندان منطقه در قالب گروه های دوام ثامن، آشنایی با مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در دوره های ۳۳ ساعته، تجهیز و آماده سازی سوله بحران طرق و استقرار خانه بهداشت در این مکان، برگزاری کارگاه های جامعه ایمن در منطقه با سازمان ها و دستگاه های خدمات رسان شهری، برگزاری پاتوق محله ایمن برای آشنایی شهروندان با مباحث پدافندی و بحران محله از جمله اقداماتی است که از سوی شهرداری منطقه آغاز شده است و با توجه به اهمیت این موضوع و اینکه حادثه هرگز خبر نمی کند امید است همشهریان عزیز نیز اقدامات شایسته و درخور توجیهی برای اعتلا و ارتقای فرهنگ پیشگیری از خطرات احتمالی و همچنین مباحث پدافندی داشته باشند. در طول سال و به ویژه هفته پدافند غیرعامل آموزش ها و مطالب مفیدی در رسانه ها و جامعه مطرح است که شهروندان با توجه به آن ها می توانند در مواقع حادثه، از خانواده خود مراقبت و سلامت آن ها را حفظ کنند.

کارنامه پررنگ خادمان امام هشتم در ایستگاه استقبال از زائران پیاده

۱۷۰۰ پرس غذای روزانه برای میهمانان امام رضا (ع)

زائران پیاده آمدند کمی دشوار بود اما به مرور زمان با صحبت با آنان این مسئله حل شد.

گردهمایی عاشقان امام رضا (ع) برای خدمت به زائران

مهرآفرین با اشاره به خادمانی که در ایستگاه خدمت می کردند، بیان کرد: بیشتر خادمان ایستگاه را شهروندانی تشکیل می دادند که در سامانه خادمان شهرداری مشهد ثبت نام کرده بودند و شهرداری آن ها را بر اساس محل سکونتشان سامان دهی کرده بود. دسته دیگر افرادی بودند که سال ها در این ایستگاه مشغول به خدمت هستند و در بین آن ها هموطنانی از شهرهای دیگر کشور مانند آمل، اهواز، نهبندان و شیراز نیز وجود داشت. در مجموع بیش از ۷۰۰ خادم دائمی داشتیم که در روزهای اوج کار ایستگاه تا ۵۰۰ نفر از آنان در ایستگاه حضور داشتند و در روزهای عادی نیز همواره بیش از ۳۰۰ خادم در ایستگاه حضور داشتند. البته خادمان افتخاری را که برای چند ساعت به ایستگاه می آمدند و به خدمت به زائران پیاده مشغول می شدند به این تعداد باید افزود.

تجربه زائران کمک حال خادمان

مدیر غرفه طب سنتی حضور زائران پیاده در

برای دومین سال پیایی مسئولان شهرداری منطقه ۷ تصمیم گرفتند اداره ایستگاه به صورت مردمی انجام شود و برای این کار من را که برای چهارمین سال پیایی قصد داشتم در ایستگاه غرفه طب سنتی خدمت کنم، انتخاب کردند. مهرآفرین ادامه داد: سال گذشته تلاش های ما معطوف به نظم دهی و صرفه جویی در هزینه ها شد. امسال نیز همین برنامه ها را با اقدامات جدید به ویژه برای نظم دهی به ایستگاه تداوم بخشیدیم. برای نظم بخشی و سامان دهی در ایستگاه ما کار خود را از ۲ ماه قبل با برگزاری جلساتی با سرگروه ها و مسئولان شهرداری منطقه آغاز کردیم و در ادامه به تشکیل کارگروه و سپردن مسئولیت ها همراه با جلسه های آموزشی که شهرداری برای خادمان برگزار می کرد، پرداختیم.

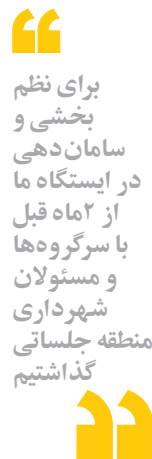
نتیجه تمام اقدامات انجام شده را در طول فعالیت ایستگاه و نظمی که در پذیرایی از زائران همواره وجود داشت، مشاهده کردیم که طبق نظر سنجی که از خادمان انجام شد بیشتر آن ها از نظم خوبی که در ایستگاه بود رضایت داشتند. البته متأسفانه ناهماهنگی های اندکی را در روزهای ابتدایی شاهد بودیم که به دلیل تجربه سال های گذشته برخی از خادمان در ایستگاه بود که امور ایستگاه را به دلخواه خود انجام می دادند و اینکه آن ها داوطلب هستند و تنها از روی علاقه به خدمت به

برای دومین سال پیایی شهرداری منطقه مسئولیت ایستگاه استقبال از زائران خود را به خادمان سپرد تا تمام امور اداره ایستگاه نیز به صورت مردمی انجام شود. برای دومین سال پیایی این وظیفه به فرهاد مهرآفرین یکی از خادمان ایستگاه سپرده شد که از شهر تربت حیدریه ۴ سال پیایی برای خدمت به زائران پیاده امام رضا (ع) به مشهد می آید.

در آخرین ساعت فعالیت ایستگاه زمانی که تمامی خادمان پس از ۶ روز خدمت به زائران پیاده چشم به در ورودی ایستگاه دوخته بودند تا زائری وارد شود و آن ها از او پذیرایی کنند به سراغ فرهاد مهرآفرین، مدیر غرفه طب سنتی، رفتیم که مسئولیت اداره امور ایستگاه را بر عهده گرفته است و در باره اقدامات انجام شده برای برپایی ایستگاه به گفت و گو پرداختیم.

اقداماتی که برای افزایش کیفیت خدمات انجام شد

مسئول ایستگاه استقبال از زائران پیاده شهرداری منطقه در گفت و گو با شهرآرا محله بیان کرد: امسال



قاب عاشقی!

به دنبال سوژه های ناب هستند. در این مدت بسیاری از عکاسان مشهدی راهی جاده قدیم نیشابور می شوند تا بتوانند این لحظه های ناب را ثبت کنند. این چند قاب حاصل تلاش چند عکاس مشهدی است که به این جاده پرتردد آمده اند و حظ حضور در این عاشقی را چشیده اند!

هرسال دهه آخر صفر که فرا می رسد خیل پیاده زائران راه می افتد. خیل عاشقانی که یا راهی خدمت هستند یا راهی حرم یار. این فرصت غنیمتی است برای عکاسان و مستندسازانی که



دو چرخه سواران آتش نشان مشهدی به مناسبت گرامی داشت اولین سالگرد شهادت آتش نشان فداکار مشهدی تاملر شهید حمید نوروزی رکاب زدند. حمید نوروزی ابدال آبادی، آتش نشان ۳۱ ساله ایستگاه شماره ۹ شهدای آتش نشانی مشهد بود. او از سال ۹۰ وارد این شغل شده بود و دلیل علاقه‌ای که داشت خیلی زود در

کار خودش مهارت پیدا کرد و از همان روزهای نخست به عملیات‌های مختلف می‌رفت. وی در سال ۹۵ به طور رسمی به استخدام سازمان آتش نشانی مشهد درآمد. در سال ۹۷ وی به مأموریت اعزام شد و طی عملیات نجات در مقابل چشم همکارانش جان باخت و شهید شد. ایستگاه شماره ۹ در بولوار فرودگاه به نام این شهید نام‌گذاری شده است. ■



عکس: مرصیه میرزاد/شهرآرا



ارائه گزارشی از ایستگاه عاشقان امام رضا(ع)

صد در صد برنامه‌هایمان اجرا شد

۳
سعید جلاتیان

بسترها را آماده کنیم و اداره ایستگاه را به خود خادمان داوطلب ایستگاه بسپاریم.

● پذیرایی از ۱۵۰ هزار زائر پیاده

شهردار منطقه به بیان گزارشی از آمار هزینه‌ها و میهمانان ایستگاه پرداخت و گفت: برای برپایی ایستگاه و اداره آن حدود ۲۰۰ میلیون تومان شهرداری هزینه کرد و شهروندان نیز بالغ بر یک میلیارد تومان مشارکت کردند که بیشتر در بخش پذیرایی بوده است. امسال طبق آماري که ارائه شد نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر وارد ایستگاه شدند و به آن‌ها خدمت‌رسانی شد که در این راستا غرفه‌های پذیرایی و نذورات ما بسیار عالی عمل کردند و ما تا آخرین لحظات فعالیت ایستگاه از زائرانی که وارد می‌شدند با غذای گرم پذیرایی می‌کردیم و هرگز کمبودی احساس نشد.

امسال سازمان اتوبوس‌رانی همکاری خوبی برای تردد خادمان و زائران با ما داشت و همچنین آتش نشانی حضور دائمی در محل ایستگاه داشت. در مسیر ورود زائران به شهر نیز تمام تلاش ما این بود قبل از حضور آن‌ها فضای سبز بزرگراه سلسله الذهب را کامل کنیم و سپس پیگیری‌ها را با شرکت برق انجام دادیم تا روشنایی وسط این مسیر انجام شود.

در مجموع می‌توانم بگویم ۱۰۰ درصد برنامه‌هایی که برای ایستگاه داشتیم اجرا شد اما در نهایت آن کسی که باید راضی باشد زائران هستند و ما نباید از خودمان تعریف کنیم.

● بازدید مسئولان از ایستگاه

شهردار منطقه با اشاره به بازدیدهای انجام شده از سوی مسئولان شهری و کشوری از ایستگاه بیان کرد: مسئولان زیادی از این ایستگاه بازدید کردند که شامل آقایان هاشمی فرماندار مشهد، دکتر حیدری رئیس شورای اسلامی شهر مشهد، مهندس نوروزی عضو شورای اسلامی شهر و رئیس کمیسیون نظارتی منطقه، رمضانعلی فیضی رئیس کمیسیون مناطق پیرامونی و کم برخوردار شهر، محمد محسن مصحفی، دانایی، خانم شالچیان، پیروی مدیر کل بازرسی شهرداری مشهد، دکتر مهدی یعقوبی معاون خدمات شهری و معاون وزیر بهداشت تنها بخشی از مسئولانی هستند که برای بازدید به این ایستگاه آمدند که این امر نشان‌دهنده این است که برای خود مسئولان شهر استقبال از زائران امام مهربانی تا چه حد حائز اهمیت است.

● قدردانی از اداره‌ها و نهادها

باوندی در نهایت با قدردانی از نهادهایی که در این ایستگاه مشارکت کردند، افزود: مرکز تحقیقات کشاورزی بیشترین همکاری را در برپایی ایستگاه با اختصاص زمین و انرژی هر ساله با شهرداری دارند، از سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری، دانشگاه علوم پزشکی، آستان قدس، بنیاد شهید، هلال احمر، آتش نشانی، پلیس راهبر، بسیج و همچنین شهروندان طرق که در منازل خود از زائران امام رضا(ع) پذیرایی می‌کنند، قدردانی می‌کنم.

دهه آخر صفر را نسبت به سال‌های گذشته با برنامه و نظم توصیف و بیان کرد: امسال شاهد حضور زائران پیاده از چند روز مانده به شهادت ثامن الائمه بودیم که این نشان‌دهنده تجربه کاروانان و خود زائران است. در سال‌های گذشته همواره ۲ روز قبل از شهادت امام رضا(ع) شاهد حضور ده‌ها هزار زائر در ایستگاه بودیم که این کار خدمت‌رسانی را برای مادشوار می‌کرد اما خوشبختانه امسال حضور پررنگ زائران راحتی قبل از روز شهادت پیامبر اسلام و امام حسن(ع) در ایستگاه تجربه کردیم که این کار ما را بسیار ساده‌تر کرد به طوری که ما آن چنان در روز قبل از شهادت امام هشتم در ایستگاه تراکم جمعیت نداشتیم و با نظم خوبی از تمامی زائرانی که وارد می‌شدند پذیرایی می‌کردیم. مسئول ایستگاه به توزیع خوراکی در ایستگاه اشاره و تصریح کرد: به طور میانگین روزانه ۱۷ هزار پرس ناهار، ۸ هزار آش رشته و بالغ بر ۱۸ هزار چایی و دمنوش در داخل ایستگاه توزیع کردیم که باید به این‌ها حجم زیادی از نذوراتی که شهروندان تا روز آخر به ایستگاه می‌آوردند نیز افزود.

مهر آفرین در پایان ضمن قدردانی از زحمات خادمان افزود: ایستگاه استقبال از زائران پیاده از لحاظ موقعیت و مساحتش بسیار مهم است و اغلب زائرانی که از این مسیر به مشهد آمدند به ایستگاه ما وارد و با استقبال خادمان مواجه شدند. من از خادمانی که در این چند روز در ایستگاه حضور داشتند و با جان و دل به زائران پیاده امام هشتم خدمت می‌کردند تشکر می‌کنم و امیدوارم امام رضا(ع) این خدمت‌راز ما و دیگر خادمانش قبول کند. ■



عکس: نجف زاده، صلواتی، بهگام / شهرآرا



دهه آخر صفر تمام شد اما خاطراتش...

«ارادت»

گل دفتر

پیاده‌ها بعضی ۸ روز در مسیر هستند و بعضی ۶ روز! گاهی کمتر و گاهی بیشتر! چه فرقی می‌کند. هر کس از خانه‌اش قدم بیرون نهاده است، می‌داند مرکز دنیایش در مشهدالرضاست! قدم‌ها برداشته می‌شوند و تاول‌ها لبخند می‌زنند! درد در میان نسوج رخنه می‌کند و به هم می‌پیوندد. اندک

اندک درد ریشه و عضله را درگیر می‌کند. درد توان عضلات را می‌گیرد ولی عشقشان را نه! و آنچه آن‌ها را در این راه می‌کشاند هیچ نیست جز همان مهر آمیخته با رگ و پی و نسوج این جسم خاکی! جسمی که حالا در خدمت جان است و در این همراهی مفتخر! اگر دنیا بر مدار اجسام می‌چرخید کم می‌آورد. جسم حریف قوانین فیزیکی نمی‌شود اما این مسیر جان می‌طلبد و بس. در حاشیه خط سیاه کشیده در میان دشت نقطه‌های کوچکی در حال حرکت هستند. نقطه‌هایی که مقصدشان یکی است اگر چه مبدأشان نه. یکی از روستای دوری در سبزوآر آمده است و دیگری از تربت. یکی از شاهرود آمده است و دیگری از نیشابور! یکی هر سال می‌آید و دیگری سال اولش است! بارو بنه‌شان را در یک ساک جا داده‌اند. زائرهای جاده قدیم کم کم از ملک‌آباد عبور می‌کنند و به ابتدای جاده عاشقی می‌رسند. از میقات رد می‌شوند و به جواد الائمه می‌رسند. از موکب کفشداران به موکب جوانان طرق! در تپه سلام اولین سلام را به سوی حضرت روانه می‌کنند! جاده پاهای را می‌گذارد. سفتی آسفالت و ناهمواری خاک رحم ندارد! رمق از پاهای رفته ولی شوق به جان‌ها دویده است! از پلیس‌راه باغچه به این طرف دیگر همه می‌دانند مقصد بعدی‌شان دیار یار است. عطر خوش رسیدن مشامشان را پر



● نان گرم برای پیاده‌ها!

روی خوان اول پذیرایی نان‌ها تکه‌هایی هستند در انتظار زائران. چیده شده‌اند روی هم و منتظر دستان سرد و خسته‌ای هستند که مسیر طولانی را پیاده آمده‌اند. نان گرمی که در فاصله چند قدمی با مکان عرضه از تنور داغ بیرون آمده، تکه شده و آماده مصرف است. بوی مطبوع نان تازه در انتهای راهروی آشپزخانه بیت‌الرقیه بیرون می‌زند. کنج انتهایی موکب چنان مخفی است که در نگاه اول نمی‌فهمی نانویی کوچکی در دل آن زندگی می‌کند اما حدود ۸ نفر از صبحدم تا شامگاه مشغول زواله‌گیری و پخت نان هستند تا به زائران پیاده خدمت کنند. خدمتی بی‌منت. کار سخت نان‌پزی را به جان می‌خرند تا مزدش را از امام هشتم بگیرند. اینجا سکنینه خانم با خاله‌اش و دختر خاله‌هایش که همگی ساکن طرق هستند، مشغول به کارند. دوسه تا خانم هم از سیدی هستند. خاله می‌گوید: «چند سال پیش موقع شهادت امام رضا (ع) با پای پیاده راهی حرم بودم که از اینجارد می‌شدم و متوجه شدم اینجا زائران پذیرایی می‌کنند. از آن سال من هم می‌آیم.» منتظر نشسته‌اند تا خمیرشان ترش شود و نان با کیفیتی از آن پخت کنند. «هر کدام از آدم‌هایی که اینجا نان می‌پزند خودشان نانو هستند. قدیم کسی نان از بیرون نمی‌خرید حالا دیگر رسم نان پختن ور افتاده است.» آن‌ها کسانانی هستند که لب به نان بازاری نمی‌زنند. حتی اگر تنور گلی در خانه نداشته باشند به تنورهای گازی قناعت می‌کنند تا نان خوب سفره خانه‌شان بگذارند. حالا اما هنرشان را در خدمت دلشان در آورده‌اند: «چه کسی بی حاجت است؟ همه حاجت دارند. آن قدر دل‌هایمان زنگار گرفته است که دعا‌هایمان بالا نمی‌رود.» روزانه حدود ۶۰۰ نان می‌پزند. فضای نانویی کوچک و به دلیل حضور تنور گرم‌تر از جاهای دیگر است. حرارت به صورتی می‌زند و تنت را داغ می‌کند اما خاله می‌گوید: «اصلا حالی مان نمی‌شود که چطور زمان می‌گذرد. من کمر و پاهایم درد می‌کند اما اینجا برای من خستگی ندارد. حتی شب که به خانه می‌روم این حس ماندگی را ندارم. اگر خانه‌ام را جارویی بزنم یا لباسی بشویم می‌اقتم اما اینجا هیچ چیز حالی نمی‌شود. این‌ها از عشق امام رضا (ع) است.» پیاده رفتن در مسیر محبوب در روز شهادت چهار سالی است که قسمتش نشده است. ترجیح می‌دهد اینجا بنشیند و نان زائران را تأمین کند و زیر لب ذکر بگوید. انتخابی که برایش به همین راحتی نیست. او که افتخار داشت ۲ سال در آشپزخانه حرم خادمی می‌همانان سفره‌امام را بکند، برایش سخت است ببیند لباس خدمت‌مشی استفاده آویز شده است و دیگر خادم آن بارگاه نیست. «روزگار خوبی داشتم که هفته‌ای یک بار خدمت امام رضا (ع) را می‌کردم. هر وقت چشمم به روپوش خدمتم می‌افتد دلم می‌گیرد که چرا لایق نبودم! دوشنبه به دوشنبه دلم هوای آن بارگاه را می‌کند و اشک می‌ریزم.» بغض در صدایش می‌پیچد و دیگر ادامه نمی‌دهیم...

● حاجتم را می‌خواهم

آمد و رفت گریه کرد، نشست گریه کرد، برخاست گریه کرد. به دور خودش می‌پیچید. گنج بود و هر که به دنبالش بود را هم گنج می‌کرد. شبیه برگ نارآمی که در بستری از خوف و نگرانی آرمیده و باد پاییزی سبکی اش را به تسمخ گرفته است که او را روی هوا موج می‌دهد و این‌ور و آن‌ور می‌اندازد. هیتی‌ها هم مانده‌اند این سید سبز پوش همشهری را چه شده است که حالش را نمی‌فهمد، اسفندگونه می‌سوزد و بالا و پایین می‌پرد، چیزهایی هم زمزمه می‌کند، زیر لب دعوا هم دارد، بی‌توقعی اش شده است. نه از آن‌ها که دوره‌اش می‌کنند با یکی دیگر، با شنونده دیگری که لابد اینجا نیست، دیوانگی یا عقلش وضوح ندارد. میمانی فکر کنی بالا خانه‌اش به اجاره است یا نه. بچه‌های هیتت احترامش می‌کنند و سید می‌خواندش تا برایش هم عقل داشته باشی! سید آرام نمی‌گیرد. هر چند لحظه‌ای مکث می‌کند و انگار چیز تازه‌ای یادش آمده باشد باز آتش می‌گیرد و دور خودش می‌پیچد. اطرافش جمع شده‌اند تا نکند این آتش او را دود کند و به هوا بفرستد. می‌خواهند که بگویند، شاید وحشت و درونش گرنش کرد. دلخوری هم قاطی حرف‌هایش است. می‌گوید: «یک سال پیاده رفته و بچه مریش بهبود یافته و حالا دارد برای زائرها کفش و اکس می‌زند!» بریده بریده ماجرای حاجت گرفتن زنی را نقل می‌کند که چند دقیقه پیش مجری برنامه تعریف کرده است. حالا حاجت او مانده روی دستانش. باز گریه می‌کند و می‌رود روی شیشه ماشین سر می‌گذارد. میان این آدم‌ها هیچ‌شانه‌ای امنیت شیشه یک تکه فلز را ندارد. هیتی‌ها باز صدایش می‌زنند «چرا حاجت من را امام رضا (ع) نداد!» نمی‌دانم به لیاقت خودش شک برده یا به کرامت امامش.

در نه سالگی پیاده روی اش حالا یک سؤال برایش ایجاد شده است. ۹ سال بس نیست برای حاجتش؟ ۹ سال صبر. چیز زیادی نمی‌خواهد. تنهایی امانش را بریده است. یک زندگی معمولی باب طبعش است. زن و بچه و آنچه همه اسمش را سر و سامان گذاشته‌اند! چهل سالی دارد و معصومیت هنوز از چشمانش نرفته است. کاپوس تنهایی افتاده بر او قاتش، نذر دارد به پاپوس امام بیاید تا حاجتش را بگیرد. نیازی معمولی. دور نیست. شاید فقط همت می‌خواهد. از نگاه من تنها بهانه‌ای تراشیده تا مثل بقیه هر سال زائر پیاده این راه باشد. هدفی که او را به عمق زندگی ببرد تا بر سر اشتراک مقدسی همراه باشند. رفیقش می‌گوید: «چه دل نازک است این سید!» این سؤال برای سید جدی است: چرا بعد از ۹ سال هنوز همان حاجت را دارد؟ اما من فکر می‌کنم شاید برای اینکه بهانه‌ای برای ماندن و ادامه دادن داشته باشد و چه چیزی دم دستی‌تر از زندگی!

● همه جا مادر می‌خواهد

زهر خانم کسی است که از صبح تا شام در خیمه راه می‌رود و مهربانی‌اش را قسمت می‌کند. زنی که هر بار او را ببینی یک جای کار را که لنگ می‌زده، گرفته است تا کار راه‌انداز باشد. تا نکند زائری گرسنه بماند یا ظرفی بر زمین باشد. یک بار ظرف‌های غذای زائران را جمع می‌کند و بار دیگر خادم‌خادمان حضرت می‌شود. غرفه‌های مشغول کار بانو را خوب می‌شناسند. کسانی که با از دست او چایی گرفته‌اند یا برای اسپندهای روی آتشش صلوات فرستاده‌اند. زنی ساده ولی دوست‌داشتنی که خودش را حاجت گرفته امام حسین (ع) می‌داند: «امسال نذر کرده بودم از بعین در بین الحرمین کفش واکس بزنم. دو

قوطی واکس برده بودم. تمام که شد برگشتم.» سال دیگر قرار گذاشته بود با خودش ۴ قوطی واکس ببرد. او خادم امروز و دیروز اینجا نیست. هر روز صبح با ۳ اتوبوس خودش را به ایستگاه می‌رساند تا اینجا هر کاری از دستش بر بیاید برای زائران انجام بدهد. آن قدر حضورش در ایستگاه مشهود است که وقتی نیست دنبالش می‌روم تا ببینم این دفعه کجای کار را گرفته است. از آنجا که او مادر این خیمه است و حواسش حتی به خادمان هم هست همه او را به خوبی می‌شناسند. گاهی که بیکار می‌شود، برس واکس را دستش می‌گیرد و شروع می‌کند به واکس زدن! پاهای کم توان زهر خانم حال خوبشان را از امام حسین (ع) وام گرفته‌اند. او چند سال پیش تصادف و چند شکستگی استخوان



در ایستگاه استقبال از زائر مستقر در پلیس راه مشهد - نیشابور ۱۵ ساز مان و تشکل مشارکت داشتند، همچنین ۳۰۰۰ نفر به صورت افتخاری به زائران پیاده حریم رضوی خدمت می کردند. در این ایستگاه ۲۰ خدمت به زائران پیاده ارائه شد که این خدمات شامل پذیرایی، واکس صلواتی، نذورات، در مانگاه، سرویس بهداشتی، نمازخانه، صبحانه

و ناهار، برپایی نماز جماعت، برنامه های فرهنگی، شهر آرامحله، رادیو زائر، خیاطی، نمایشگاه عکس، ارائه خدمات سیم کارت و تلفن همراه، مشاوره مذهبی و خانواده به زائران بود. همچنین سه تشکل خارج از استان از شهر های اهواز، آمل، کازرون و تربت حیدریه در امر خدمت رسانی هر چه بهتر به زائران پیاده مشارکت داشتند. ■



همچنان در دل و جان زائران باقی است

تا نهایت!

می کند تا دمی درنگ نکنند! هر جا می رسند به قدر استراحتی و تازگی نفسی می نشینند و باز راه می افتند. از اینجا دیگر اختیار در دست آنان نیست که تصمیم بگیرند بنشینند یا بمانند. جاذبه ای آن ها را فرا می خواند که از هر ماندنی قوی تر است. این یک طرف ماجراست. طرف دیگر کسانی هستند که شوق خدمت دارند. اشتیاقی که از سال پیش درونشان را روشن نگه داشته است تا امسال هم خادم این تبار باشند. چه اهمیتی دارد در روزهای عادی در شهر خودش چه کاره است. پزشک است یا مهندس! آشپز است یا کارگر! کودک است یا بزرگسال! همه آدم ها زیر یک عمود جمع شده اند. عمود خیمه خدمت به زائران پیاده. خیلی هایشان از بعین را کربلا بوده اند و حالا اینجا هستند. بعضی اهوازی هستند و بعضی آملی. بعضی کفاشی می کنند و بعضی خیاطی. بعضی برای ماساژ پاهای گرفته زائران آمده اند و بعضی برای پخت ناهارشان. خادمان گمنامی که هر چه بیشتر کار کنند راضی تر هستند! مهم نیست چه وظیفه ای به عهده اش گذاشته شده، مهم این است که کار زائر امام رضا لنگ نماند. همه با روی مهربانشان اینجا هستند. حساب و کتابی در کار نیست! آدم ها یک کشور کوچک مهربانی ساخته اند که در آن همه به داد هم می رسند! زیر یک سقف کوچک مشترک برزنتی دل ها همه عاشق هستند و رویای مشترکی را پی گرفتند! مردم یا آمده اند که رهسپار شوند یا که رهسپار کنند! ارادت نقطه اشتراک است که نقطه تلاقی شان یک ایستگاه مشترک است. ایستگاهی که ما بودیم در ورودی شهر انتظار مسافران را می کشید تا نقطه پیوند ارادت باشد برای عاشقان حضرت رضاع. روایت هایی که می خوانیم اگر چه اندک و قاصر است اما شرح کوتاهی است بر این دلدادگی ها!



قد کوتاه، نیت بلند

قد های کوتاهی که بلندی نیت شان از آن ها معلوم نیست با یک جفت دمپایی آبی راه می افتند و چشمشان به جای سرها باها را نگاه می کند. انگار اینجا چشم هان نیست که حرف برای گفتن دارد این کفش ها هستند که با آن ها گفت و گو می کنند. برق چشمانشان گاه دیدن یک جفت کفش واکس خور بیشتر می شود. انگار که آرزویشان همین است که یک جفت کفش پیدا کنند که بشود با پولیش و واکس بر قش انداخت. زمین را می کاوند و به محض دیدن زائری با کفش های خسته و خاک خورده به سمتش می روند. دمپایی راجلوی پاهایش جفت می کنند و کفش هارا از او می ستانند تا رقی به جان خسته شان تزریق کنند. زائران گاهی استقبال می کنند و گاه مقاومت. اما پافشاری این کوچک های کم سن و سال گاهی تاب مقاومت را از آن ها می رباید تا بالاخره تسلیم شوند و پاپوششان را برای مدتی با دمپایی های آبی عوض کنند. از حد ارادت این قلب های کوچک شگفت زده می شوی. هم دنبالت می آیند و هم سمج می شوند و آخر هم روی ناامیدی را کم می کنند. نمی دانم از این امام چه می خواهند که قرار گذاشته اند چشمشان را از کفش های مسافران تازه رسیده بر ندارند. لحظه ای قرار ندارند و طالب کفش های بی قراری هستند که همراه یک زائر پیاده شده اند تا اینجا! امر... حسین زاده چهار سالگی حضورش در ایستگاه است و ۲ سال است که غبار از کفش های زارید. مرد ۵۸ ساله با ۲ پسر ۷ و ۸ ساله اش که از یک سالگی در هوای ایستگاه نفس کشیده اند؛ چراغ غرفه واکس را روشن نگه داشته است. همه بچه های همسایه و آشنا مشتاقانه با او همراه شده اند تا گروه ۱۷ نفره شان از تردد زائران عقب نمانند، با لباس های سیاه و دستانی که واکس به شیارهایش عمیقاً نفوذ کرده است اما بادلی روشن و امیدوار در این جغرافیای روحانی، اینجا همه را یادار بعین می اندازد. انگار کسی خروش را بعین رادری انجامیده است. برای خادمان فرقی ندارد که خادم الرضا باشند یا خادم الحسین. «اینجا اگر نباشد نمی دانم چه کار کنم» دل های شیدا به خدمت آرام می شوند و او با بچه های کوچک از ساعت ۷ تا حدود ۱۷ روی خستگی را کم می کند: «حساب اینکه چقدر کفش واکس زدم، ندارم. برایم مهم نیست چه کسی است. او مهر زائر الرضا بر پیشانی اش مهر شده است. کفش باشد که واکس بزیم بر ایمان فرقی ندارد که این کفش از پای چه شخصیتی بیرون آمده است. گاهی کفش های کهنه هستند و گاهی نو. گاهی سالمند و گاه پاره و وصله دار! اما برای کسی که عاشق دارد این هارمز تفاوت نیست. برای آن ها همه میهمان امام صاحب کرم هستند و باید خوب پذیرایی شوند.» همین که به او می گویی روز آخر است انگار آتش به جانش می اندازی تا دل تنگی اش را از سر مزگانش بیاورد و روی صورتش شرد بدهد. نم اشک به چشمانش می دود و افسوس می خورد. یاد بهروز حسنی هم می کند. مردی که ۳ سال کفش دوز کهنه پافزارهای زائران بوده است و حالا دیگر نیست. اندوه دارد که این دفتر نیز به پایان خودش نزدیک می شود اگر چه ارادت همچنان باقی است...



منتظر سال بعد...

صدای چرخ هایشان در حجم زیاد صدای رفت و آمد زائران گم است. چرخ هایی که به اینجا آمده اند تا دوزنده لباس زائران باشند. زائرانی که از همه جا هستند و در طول مسیر به جایی دسترسی نداشته اند تا که بخواهد پارگی های لباس هایشان را به سامان کند. مرضیه آسانیان به همراه خاله ها و دختر خاله هایش ۶ سال است که خیاط لباس زائران پیاده هستند. زائرانی که مشتاقانه راه در این مسیر گذاشته اند و با هر گامی که بر می دارند به بارگاه منور حضرت نزدیک تر می شوند. در زهائی که عاشقانه دوخته می شوند. نه طمع کسب در آمد است و نه چیز دیگری! هر چه است ارادت است که به صاحب این عشق عرضه می دارند و امید مقبولیت دارند. «کار زائر راه را می اندازیم» یک جمله خبری نیست که برای آسانیان و تیم خیاطی اش حاصل جمع یک عشق است که میان دوخت و دوزها بروز پیدا می کند. از ساعت ۶ صبح تا حدود ۵ عصر سوزن چرخ هایشان لباس زائران را می دوزد و به خستگی فکر نمی کنند. حال دل زائران آن ها را هم هوایی صحن و سرای حضرت می کند تا دانه های اجابت دعا هایشان را میان دست های آن ها بکارند: «ما عاشقیم، لباس کسی که ۸ روز در شانه خاکی جاده و در آفتاب گرم می آید پاکیزه نیست، بومی دهد، کثیف است. اما آن لباس برای ما نشان امام رضا دارد. از بوی آن آزرده نمی شویم. چون آن بو برای ما بوی امام رضایی است. بدمان نمی آید.» خودشان هم باورشان نمی شود این حجم از مهر بانی با زائر امام رنوف به دلشان افتاده باشد. خوب می دانند اگر در خانه خودشان حتی لباس برادرشان را بخواهند با این شرایط بدوزند خلاف طبعشان است. اما اینجا تنها به راه افتادن کار زائر فکر می کنند. به اینکه نکند زائری لباسش به تعمیر نیاز داشته باشد. «زائر امام رضاع) بودن» همه چیز را برای بانوان خیاط قابل تحمل می کند. هنوز این ایستگاه تمام نشده انتظار سال بعد را می کشند. چشم انتظاری و اندوه پایان یک قرار دیگر همه را بی قرار کرده است. آسانیان خانه خاله اش شهرک ابوذر است: «یک سال بیمار بودم و پیش خاله آمده بودم. آنجا این ایستگاه را دیدم و شروع کردم. از وقتی با اینجا آشنا شدم حالم خوب است.» همه زندگی اش را مال امام رضاع) می داند و این سرسپردگی را هم از او می داند: «از امام رضاع) حاجت می گیرم. من آسم دارم و در خیابان نمی توانم راه بروم. بیرون از اینجا اگر کمی هوا آلوده باشد حالم بد می شود اما این ۷ روز حالم خوب است. نشده از اینجا بیمار بیرون بروم. دخترم باورش نمی شود من بدون ماسک و در این هوا طاعت بیاورم. این همه از لطف خودش است.» او میزبان میهمانان امام رضاع) است و این میهمانی که متصل به نام حضرت رضاع) است به او آن قدر عزت می دهد که همه شهر به خدمتش در بیایند! تعبیر آسانیان از عشقی وصف ناشدنی که معتقد است هر کسی در این فضا قرار بگیرد عاشق و نمک گیر می شود.



پاهایش را ناتوان کرده است. امسال که ناباورانه کربلا قسمتش می شود پسرش به او می گوید «ترو! تو نمی توانی راه بروی.» اما مادر دلش هوای کربلا کرده است و طاقت ندارد. راه می افتد. با دل شکسته و به سختی مسیر را طی می کند. بین الحرمین و نجف و سامرا! قدم هایش را آرام آرام بر می دارد. تا در حرم حضرت ابا الفضل (ع) دلش می شکند و دعا می کند که کاش کمی از درد پاهایش کاسته شود تا بتواند خدمت کند. همین هم می شود. زهرا خانم از آن موقع تا الان یادش نمی آید که به خاطر درد پا بنالد. خستگی برایش معنایی ندارد. مدام در پرو و بیا است. هنوز حاجت دارد. هنوز دلش می خواهد پسر داماد کند و عروس به خانه بیاورد. می گوید: «از خدا خواستم حاجتم را بدهد و من هر

سال اینجا خدمت کنم.» روز آخر برپایی ایستگاه است که به سراغش رفته ایم و او بغض دارد. با همان لهجه ساده و مهربانش می گوید: «دلم گرفته!» و پا گوشه روسری اش چشمش را پاک می کند. چند روز کنار این آدم ها زندگی کردن حال آدم را خوب می کند. آدم هایی که جز به مهربانی فکر نمی کنند. انگار دنیای ما به این زهراها نیاز دارند. کسانی که مهربانی شان عقر به سنج نداشته باشد. زهرایی که بخواهد کار همه راه بیفتد و دلش برای لبخند همه بتپد. او حتی حواسش به کاروان شتر هم بود. کاروانی که با چند شتر و چند اسب به آنجا آمده بودند از دست های پر مهر او سیراب شدند تا لحظاتی حضورش در ذهن آن ها هم حک شود! او مادر مهربان موبمان بود... ■



بانوی آشپز تایبادی ایستگاه استقبال از زائر که روزانه برای ۳۰۰۰ نفر غذا می پخت

سال دیگر زودتر می آیم!

هم محلی



برای اولین بار آمده بود. جایی که نه چشمی او را می دید و نه نگاهی دنبالش می کرد. شاید اگر من هم اهل سرک کشیدن به فضای پیرامونی و پشت صحنه ایستگاه استقبال از زائر نبودم او را نمی دیدم. رفت و آمد به انتهای ایستگاه که کار تدارکات با قدرت در آنجا پی گرفته می شد با کارت انجام می شد. کار پخت و پز برای زائرانی که خسته راه به ایستگاه رسیده اند، آن قدر حساس هست که مراقبت های ویژه خودش را لازم داشته باشد. من هم با کاردتی که برای همه خدمت گزاران تهیه شده بود به آنجا راه پیدا کردم. کار توزیع غذا از ساعت حدود ۱۱ شروع می شد و تا حدود ۴ ادامه داشت تا به تمام زائران گرسنه که مسافت طولانی طی کرده اند، ارائه خدمت کند. بار اول که یک بانو را با روپوش سفید در یکی از آشپزخانه های انتهای ایستگاه دیدم فکر کردم که او هم مثل دیگر خادمان برای کمک آمده است. خیلی زود از او پرسیدم که اینجا چه می کند و در کمال تعجب دانستم که او سر آشپز یکی از آشپزخانه هاست. آشپزخانه ای که روزانه حدود سه تا سه و نیم هزار غذا توزیع می کند. قیمه ای که ساعتی پیش خوردم و از کیفیت آن بسیار راضی بودم حاصل دستپخت این بانو است.

فاطمه کر می با برادرش در این آشپزخانه سیار ایستگاه مستقر است. ۴ فرزند دارد و الان مادر یک پسر ۲۵ ساله است. ۲ فرزند کوچکترش همراهش آمده اند. حدود هشت سالی است که ساکن تایباده است. او حدود ۳ سال و نیم آشپزخانه ای در شهر تایباده به صورت کترینگ داشته است. می گوید: من آشپزی را خیلی دوست دارم. اوایل در مراسم های فامیل و آشنا کمک می کردم. مجلس بزرگ و سنگین که داشتند یک پای آشپزی بودم. کم کم به این خودباوری رسیدم که می توانم به تنهایی یک آشپزخانه را اداره کنم.

کر می وقتی ماجرای آشپزی را با برادرش مطرح می کند اولین مشوقش را پیدا می کند. برادرش که به استعداد و توانایی خواهرش ایمان دارد به او کمک می کند تا مشکلات پیش رو را از سر راه بردارد و به آنچه می خواهد دست پیدا کند. کر می می گوید: مشتری هایم می دانستند که آشپز این کترینگ شهر زاد خانم است و به خاطر اعتمادی که به من داشتند اتفاقا فروش خوبی هم داشتم. در کترینگ خود تنها بودم و گاهی پسر بزرگم برای کمک می آمد.

آنچه کر می را از هدفش کمی دور می کند بیماری ناخواسته قلبی است که یک باره به سراغش می آید و پزشک به او توصیه می کند که نباید بار سنگین بلند کند. وقتی پزشک به او می سپارد که باید کار را تعطیل کند به دنبال استاد ماهری می گردد تا از پس کار بر بیاید اما کسی را پیدا نمی کند. فاطمه می گوید: در تایباده خانم های محلی کار نمی کنند و به همین خاطر کسی را پیدا نکردم که بخواهد کمک دستم باشد. همین شد که مجبور شدم در آشپزخانه را ببندم. اگر چه هنوز علاقه مند بودم کار را ادامه بدهم.

او اولین سال است که آشپز خاص پیاده زائرهای امام رضا شده است. برادرش با او تماس

می گیرد و از او می پرسد: می توانی برای چند هزار نفر غذا بپزی؟ میهمانی است و همان جا جایی اش را زمین می گذارد و بدون چون و چرا راه می افتد. ۲ ساعت دیگر به مشهد رسیده اند و در خیمه برپاشده برای خدمت در حال خادمی است. یک افتخار و ویژه برای خادمی خاص زائرهایی که باتن خسته و روحی به پرواز در آمده در حال و هوای مشهد برای او دعا به زبان جاری می کنند. می گوید: پیش از این برای ۶۰۰ نفر و برای هیئت های مذهبی غذا پخته بودم ولی برای اولین بار بود که ۳۰۰۰ غذا می پختم. توکل به خداست. اینجا را امام رضا (ع) کمک می کند و گرنه ما کاره ای نیستیم. بعد هم خادمان آقا هستند که کمک می کنند. کارهای سنگین آشپزخانه بر عهده مردان آشپزخانه است. اعتقاد دارد که یاری خود انما باعث شده است تا از پس این کار به خوبی بر بیاید.

هنوز بساط این آشپزخانه جمع نشده گرد افسوس بر شانهاش نشسته است تا بگوید: غصه می خورم که این خدمت تمام شد. از همین الان دارم چشم می کشم که سال بعد از چند روز جلوتر بیایم. دیروز غصه داشتم که بساط دیگ و پایه های اینجا را جمع می کردند. برادرش که در تمام این مدت همراهش بوده است، می گوید: این رزق خواهرم بود که



امسال اینجا باشیم. در حالت عادی من فقط برای تأمین پشتیبانی و مایحتاج آشپزخانه می آمدم ولی امسال لطف حضور خواهرم باعث شد که این رزق نصیب من هم بشود و من که در خانه خودم این کارها را نمی کنم اینجا دیگ و پایه بشویم. ■

پیش از این برای ۶۰۰ نفر و برای هیئت های مذهبی غذا پخته بودم ولی اولین بار بود که برای ۳۰۰۰ نفر غذا می پختم



نخاله و زباله

در مجاورت زندگی شهروندان

در محله

۵۹

بخشنامه

به درخواست تعدادی از شهروندان محله قائم راهی خیابان قائم ۳۵ تا ۴۱ شدیم، تا از زباله، نخاله‌های ساختمانی که برخی آن‌ها را در مجاورت منازل مسکونی رها می‌کنند و با این کار سلامت شهروندان را به خطر می‌اندازند، بازدید کنیم. محلی که شهروندان در تماس با ما ذکر کرده بودند در حاشیه پروژه اتصال بولوار کوشش به خیابان قائم است. در این مکان نخاله‌های ساختمانی و زباله‌های خانگی و صنفی نیز به فراوانی وجود داشت.



که محیط را پر کرده بود نیز به مشام نرسیده است. به وی اطراف منزلش را که با انبوهی از زباله احاطه شده بود نشان دادیم. وی پس از مشاهده این زباله‌ها اظهار کرد: این زباله‌ها را قطعاً زباله‌گرد‌ها ریخته‌اند مگر نه کسی نمی‌آید در کنار محل سکونتش زباله بریزد.

تداوم وضعیت تا اتصال به کوشش

یکی از بانوان این خیابان که به سخنان ما گوش می‌داد، بیان کرد: بیشتر ساکنان این محله مهاجر هستند و از شهرها و روستاهای دیگر به اینجا آمدند. متأسفانه برخی از آن‌ها به مسائل شهرنشینی و بهداشت توجهی ندارند.

بانوی خیابان قائم می‌افزاید: این شرایط تا اتمام نیافتن پروژه اتصال کوشش به قائم ادامه خواهد داشت و حتی با گذشتن چند گاری زباله در اینجا هم نمی‌شود به این شرایط خاتمه داد. رضادادی از شهروندان خیابان قائم ۳۹ نیز در تکمیل سخنان همسایگان خود بیان کرد: تا ۲ ماه پیش می‌دیدیم هر روز یک لودر نخاله‌ها و خاکرو به‌ها را جمع‌آوری می‌کرد اما از ۲ ماه پیش من ندیدم نخاله‌های ساختمانی را کسی جمع‌آوری کند و تا زمانی که این نخاله‌ها و خاکرو به‌ها در اینجا باشد مردم زباله‌های خود را رها می‌کنند.

رضادادی در انتها با درخواست از شهرداری منطقه برای رسیدگی به این مشکل افزود: از مسئولان شهرداری منطقه می‌خواهیم تا زمان اتمام پروژه اتصال قائم به کوشش پاکسازی خاکرو به و نخاله‌های ساختمانی را در این معبر انجام بدهند زیرا با اتمام پروژه خود به خود دیگر کسی در اینجا زباله رها نخواهد کرد.

اقدام خدمات شهری منطقه

موضوع را با مرتضی طهماسبی، رئیس اداره خدمات شهری و محیط زیست منطقه، در میان گذاشتیم. طهماسبی در بازدید از این محل به شهر آرمحله بیان کرد: نخاله‌ها و زباله‌های رها شده در این مکان متأسفانه از سوی اهالی ریخته می‌شود و بخش عمده‌ای از خاکرو به‌ها نیز به وسیله پیمانکاری که در آنجا مشغول به کار می‌باشد، ریخته شده است.

رئیس خدمات شهری منطقه افزود: ما نیروهای خدمات شهری را برای جمع‌آوری زباله‌ها، نخاله‌ها و خاکرو به‌ها مستقر می‌کنیم اما از شهروندان نیز می‌خواهیم به بهداشت محیط زندگی خود بیشتر توجه داشته باشند و از ریختن زباله در این مکان اجتناب کنند.

از انتهای قائم ۳۵ در کنار خودروهای سنگین پیمانکاری که در حال کار برای پروژه عمرانی است بازدید خود را آغاز می‌کنیم که در همان ابتدا شاهد انبوه خاکرو به و نخاله‌های ساختمانی هستیم که از آن‌ها چندین تپه خاکی به وجود آمده است. کمی جلوتر اما افزون بر این با انبوهی از زباله‌های خانگی و صنفی روبه‌رو شدیم. از کارگری که در پروژه عمرانی مشغول به کار بود پرسیدیم این زباله‌ها از چه زمان در اینجا رها شده است؟ که کارگر در پاسخ گفت: بیشتر این زباله‌ها طی ۲ شب گذشته ریخته شده است چرا که همین ۳ روز پیش من شاهد بودم پاکبانان زباله‌های اینجا را جمع کردند اما فردای آن دوباره اهالی در اینجا زباله ریختند.

چه کسی زباله‌ها را می‌ریزد؟

به گفت‌وگو با شهروندان این محله در باره این زباله‌ها پرداختیم. زهرا مرادی از ساکنان انتهای خیابان قائم ۳۷ در گفت‌وگو با ما بیان کرد: منزل من در قائم ۳۷ و خانه پدرم در قائم ۴۱ است و هر روز از میان این زباله‌ها عبور می‌کنم. متأسفانه همیشه ما در اینجا شاهد ریختن زباله از سوی خود اهالی هستیم. پاکبانان هر چه تمیز می‌کنند از آن طرف برخی بی‌توجه دوباره زباله‌های خود را اینجا رها می‌کنند.

مرادی ادامه داد: البته من و هیچ‌کدام از اهالی هرگز ندیدیم کسی در طول روز زباله بریزد. از این رو عده‌ای معتقدند برخی شبانه از محله‌های دیگر زباله‌های خود را در اینجا رها می‌کنند. مگر نه خودروهای جمع‌آوری زباله به صورت مداوم به اینجا می‌آیند و زباله‌های مردم را جمع‌آوری می‌کنند. شهروندان محله قائم در انتها با تقدیر از زحمات پاکبانان می‌افزاید:

من شاهد پاکبانان را به صورت مداوم حداقل هر ۲ روز یک بار به اینجا می‌آیند و این زباله‌ها را جمع‌آوری می‌کنند مگر نه ما در اینجا باید بین زباله‌ها زندگی می‌کردیم و حتی از بوی نامطبوع زباله‌ها نمی‌توانستیم نفس بکشیم. همه نوع زباله در این مکان رها شده بود از تیغ اصلاح گرفته تا سرنگ، مواد غذایی که توجه تعداد زیادی از حیوانات و پرندگان را به خود جلب می‌کند. مشاهده مقدار زیادی گل زعفران در بین زباله‌ها و همین نوع گل در مقابل یکی از منازل قائم ۳۹ ما را بر آن داشت تا از صاحب این خانه نیز در باره زباله‌ها پرسیم. شهروندی که در منزلش رازده بودیم در پاسخ به ما ادعا کرد که هرگز زباله‌ای در این مکان ندیده است. او گفت: تنها یک سال از اقامت من در این محله می‌گذرد و در این مدت هرگز زباله و نخاله‌های ساختمانی را در اینجا ندیده بودم و بوی نامطبوعی

آی خبر

۱۰

ارائه کارنامه دفتر تسهیلاتی طرق به معاون وزیر راه و شهرسازی

اقدامات انجام شده دفتر تسهیلاتی طرق

سید محمد پژمان، معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری، به همراه مضافعلی فیضی، رئیس کمیسیون مناطق پیرامونی و کم‌برخوردار شورای شهر مشهد، شهردار منطقه و جمعی دیگر از مسئولان شهری برای بازدید از دفتر تسهیلاتی طرق به ساختمان این دفتر رفتند و از نزدیک با اقدامات انجام شده از سوی این دفتر آشنا شدند. در ابتدای این نشست کارشناس دفتر تسهیلاتی طرق به ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده به وسیله این دفتر پرداخت. وی بیان کرد: ما در طول مدت انجام کار دفتر، جامعه هدف و نیازهای این محله را شناسایی کردیم و حالا در حال تشکیل کارگروه‌هایی هستیم تا بتوانیم برای رفع آن‌ها پیشنهادها را هدفمند ارائه کنیم و برای حل آن‌ها گام برداریم.

ایجاد مدرسه و درمانگاه با مشارکت آستان قدس و خیران

کارشناس دفتر تسهیلاتی طرق ادامه داد: برخلاف انسجام اجتماعی که در طرق بسیار بالاست، سرانه آموزشی و درمانی در این شهرک متأسفانه پایین است که برای حل این مشکل با توجه به اینکه زمین‌های رها شده بسیاری در اینجا متعلق به آستان قدس رضوی است ما مذاکراتی را با آن‌ها داشتیم که خوشبختانه آستان قدس همکاری خوبی با ما داشتند و آن‌ها پذیرفتند زمین مورد نیاز برای احداث مدرسه و درمانگاه را بدهند که مدرسه را شورای معتمدان احداث خواهد کرد و برای راه‌اندازی به آستان قدس تحویل خواهند داد و در درمانگاه رانیز سازمان تأمین اجتماعی خواهد ساخت. افزون بر این ما خیریه‌های رضوی را شناسایی کردیم که قبول کرده است در طرق مهندوکی احداث کند. کارشناس دفتر تسهیلاتی طرق از آموزش بانوان خبر داد و تصریح کرد: برای توانمندسازی بانوان این محله ما کارگاه‌های آموزشی متعددی برگزار کردیم و بانوان شاغل که به صورت غیرآشکار فعالیت می‌کردند، شناسایی و حالا به دنبال ایجاد یک دفتر تعاونی محلی برای آن‌ها هستیم. آخرین مورد مطرح شده که برای ساکنان طرق از اهمیت بیشتری برخوردار بود به ایجاد منازل مسکونی در این محله اختصاص پیدا کرد.

کارشناس تسهیلاتی با نشان دادن نقشه‌های هوایی از طرق افزود: در حوزه مسکن ما پژوهش‌هایی انجام دادیم. در طرق میل تفکیک زمین بسیار زیاد است و با افرادی که در اینجا مالک هستند مذاکراتی شده و تا حدودی موافقت آن‌ها برای همکاری جلب شده است. برآوردهایی که کارشناسان ما انجام دادند نشان‌دهنده این بود که می‌توان تا هزار واحد مسکونی در طرق احداث کرد.

اهمیت اعتماد و مشارکت شهروندان

در ادامه این نشست پژمان، مدیرعامل سازمان بازآفرینی شهری، ضمن تشکر از شهرداری مشهد و منطقه بیان کرد: برای پیشبرد برنامه‌های خود باید جلب مشارکت شهروندان را به دست بیاورید و اعتمادسازی کنید. شهروندان باید این اطمینان را پیدا کنند که کارکنان دفتر تسهیلاتی طرق برای خیر و مصلحت آن‌ها آمدند و هر که با شما همکاری کند از بعد اقتصادی و رفاهی به سعادت خواهد رسید.

معاون وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: برای پیشبرد اهداف در گام اول باید تلاش کنیم شهروندان به میدان بیایند باید به شهروندان بگویم اگر تغییر و بهبود شرایط در زندگی‌شان می‌خواهند باید خودشان پای کار بیایند و مادر کنار آن‌ها بسته‌های مشوقی خواهیم داشت. این پیام را واضح و آشکار به شهروندان این محله بدهید که ما آمدیم تا منزلت شهری، اجتماعی و اقتصادی شما را بالا ببریم اما رکن اصلی این کار خود شما هستید.

حفظ اصالت طرق

مدیرعامل شرکت بازآفرینی با اشاره به سابقه طرق افزود: استانداردهای زندگی در محلات شهر متفاوت است و ما باید استانداردهای زندگی را با توجه به شرایط خود همین محلات بازتوسعه کنیم و برای واحدهای مسکونی که در طرق قرار است ایجاد شود باید یک سری استانداردها مشخص کنید که مختص به این بخش از شهر باشد و باید توجه داشته باشیم که نمی‌توانیم همه را آپارتمان‌نشین کنیم. طرق در گذشته روستا بود و ما نباید آن‌ها را از اصالتشان جدا کنیم زیرا شهری بودن به ساختمان‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها و... نیست. شهروندان باید قابلیت‌های خود را ارتقا دهند. در تعاملات اجتماعی و فرهنگی شرایطشان بهبود یابد و شغل مفید و مولد داشته باشند که زندگی امروز و فردا را تضمین کند.



توسعه فضای سبز در طرق

محلات منطقه مسا: عصری، ۱۷ شهریور، کوی کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلیس، پروین اعتصامی المهدی، سیدی، ولی عصر (عج)، عسکریه، انقلاب بهارستان، ابوذر، ایمان، رباط، ایوان، طرق

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیرعامل: موسسه شهرآرا: مجید خرمی
سردبیر: شهرآرا محله: رضا سلیمان نوری
مدیر منطقه ۷ شهرآرا: مزگان حسینی
دبیر شهرآرا محله منطقه ۷: سیده نعیمه زینبی
تلفن شهرآرامحله منطقه ۷: ۳۳۴۱۱۷۴

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱-۵
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۰
نمبر: ۳۷۲۳۸۳۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرا: میدان شهدا
نشانی دانشگاه یک

دفتر منطقه ۷: خیابان پروین اعتصامی ۱۸
پشت ساختمان شهرداری منطقه ۷
پست الکترونیک: mahalle7@shahrara.ir
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

آخرین خبر



۱۱

برگ‌های پاییزی روی زمین می‌مانند

رئیس اداره فضای سبز منطقه ۷ از اجرای طرح پاییزه خبر داد که در آن برگ‌های پاییزی در ۳ بوستان منطقه جمع‌آوری نمی‌شوند.

طبیعی در گفت‌وگو با شهرآرامحله گفت: امسال برای بهره‌بردن شهروندان از زیبایی‌های فصل پاییز در ۳ بوستان غدیر، میرزا کوچک خان و سلام معبرهایی مشخص شده است که در آن برگ‌های ریخته شده از درختان در طول هفته یک بار جمع‌آوری شوند.

طبیعی از واکنش شهروندان به این طرح بیان کرد: بخش‌های منتخب اغلب محل ورزش‌های صبحگاهی شهروندان است و ورزشکارانی که به این بوستان‌ها می‌روند از اجرای این طرح بسیار استقبال و از آن قدردانی کردند. البته سال گذشته نیز شهروندان از این طرح استقبال بسیار خوبی کردند به طوری که بسیاری از ماعلت این کار را جویا می‌شدند و از جمع‌نکردن برگ‌ها تشکر می‌کردند.

این اقدام در راستای استفاده از مناظر زیبای طبیعی و ایجاد فرش برگ‌های پاییزی در خیابان‌ها و بوستان‌های شهر انجام می‌شود.



۱۲

اجرای ۲ طرح مهارت‌آموزی در ۷ محله

کارشناس اداره فرهنگی و اجتماعی منطقه ۷ از انجام ۲ طرح آوای همت و الفبای مهارت در فصل پاییز خبر داد.

به گزارش شهرآرامحله، صغری علیپور افزود: ۲ طرح آوای همت و الفبای مهارت در ۷ محله شهرک ابوذر، طرق، رباط طرق، انقلاب، المهدی، سیدی، بهارستان در حال اجراست. وی ادامه داد: طرح آوای همت شامل برگزاری کلاس‌های آموزشی برای بانوان سرپرست خانوار است. در این طرح ۱۰ جلسه مهارت‌آموزی و پس از آن ۵ جلسه برای مشاوره برگزار خواهیم کرد. بانوانی که به برگزاری این کلاس‌ها در محله خود تمایل دارند می‌توانند با مراجعه به اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه درخواست بدهند و ما برای آنان مربی اعزام خواهیم کرد. کارشناس فرهنگی منطقه با اشاره به طرح الفبای مهارت افزود: دومین طرح در حال اجرای ما الفبای مهارت است که برای دانش‌آموزان ۸ تا ۱۸ سال در همین محلات است. در این طرح ما برای دانش‌آموزان در ۱۴ رشته کلاس‌های مهارت‌آموزی مشاغل مختلف برگزار می‌کنیم. مدارسی که به برگزاری این دوره‌ها تمایل دارند نیز می‌توانند با مراجعه به شهرداری منطقه اعلام آمادگی کنند.



۱۳

آمادگی برای لیگ استان

سرمری تیم فوتبال صبا، در گفت‌وگو با شهرآرامحله از آمادگی تیم بزرگسالان این تیم برای شرکت در مسابقات لیگ استان خبر داد.

به گزارش شهرآرامحله، ناصر امینی افزود: در فصل تابستان تیم بزرگسالان صبا در رقابت‌های لیگ دسته یک باشگاه‌های مشهد که با حضور ۱۶ تیم برگزار شد به مقام دوم دست یافت و به عنوان تنها تیم رده بزرگسالان منطقه ۷ به مسابقات لیگ استان راه پیدا کرد. امینی ادامه داد: این تیم یکی از قدیمی‌ترین باشگاه‌ها در منطقه است که در رده‌های سنی نونهالان، نوجوانان و جوانان افزون بر ورزش در حوزه‌های تحصیلی و فرهنگی پرورش و هدایت می‌کند. سرمری تیم فوتبال صبا افزود: می‌توان گفت عمده فعالیت‌های باشگاه ما فرهنگی و علمی است تا ورزشی. ما اعضای تیم را مدام به کسب علم تشویق می‌کنیم و حتی در ایام امتحانات تمرینات خود را متوقف می‌کنیم تا اعضای تیم با تمرکز بیشتر به تحصیل خود بپردازند. نتیجه این اقدامات بازیکنان تحصیل کرده‌ای شدند که به بالاترین سطوح علمی دست پیدا کردند و حتی عضو هیئت علمی دانشگاه، متخصص مغز و استخوان، پزشک و... شدند.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱ و پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

خطر ریزش چاه!

شهروند- دهانه چاه در چمن ۵ ریزش کرده است. درخواست رفع خطر دارم.

جوابیه ۱۲۷: در پی درخواست این شهروند گرامی، خطری درنگ رفع گردید.

جمع‌آوری نامنظم پسماند!

شهروند- در خیابان سپه ۲۴ جمع‌آوری پسماند نامنظم انجام می‌شود و حجمی از پسماند در محل دپو شده است. درخواست جمع‌آوری دارم.

جوابیه ۱۲۷: تذکر به پیمانکار برای جمع‌آوری منظم پسماند داده شد.

تخریب آسفالت

فرح‌دوست- در بزرگراه بسیج، لاین کنارگذر (از تقاطع رستمنی تا تقاطع فدائیان اسلام آسفالت) تخریب شده و بسیار ناختم‌سطح و میخ‌دار است. درخواست اجرای روکش آسفالت داریم.

جوابیه ۱۲۷: این محل حفاری شرکت آب بوده است. لایه ابتدایی ریخته شده و لایه نهایی آسفالت پس از تراکم لایه ابتدایی انجام می‌شود.



مردم

بیشتر آیم
چو کبوتر که
به پرواز آید...

* پیاده
زائران
اما رضا (ع)
سال ۹۸
جاده قدیم نیشابور

۱۴

محمدحسن صلواتی
شهرآرا

